



سپهر ایرانی



شاهزاده ایران

پرچم های ایران از آغاز

ماه در یادا عاشق شد

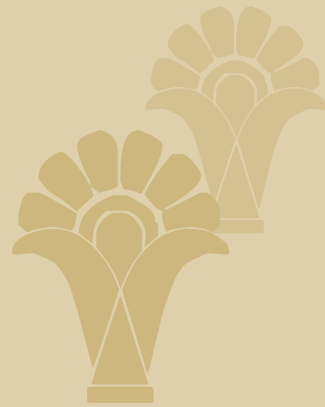




فهرست

نیلوفر ایرانی

Persian Lotus



- ۳ سر مقاله
- ۴ روزهاک ارزشمند در گاهشمارک آذر ماه
- ۵ پرچم هاک ایران از آغاز
- ۸ افسانه شب یلدا
- ۹ شگفتی هاک تاریخ تمدن ایران (بخش دوم)
- ۱۰ نماد فروهر
- ۱۱ برگردان درست واژگان رایانه اک
- ۱۲ شاهزاده ایران (Prince Of Persia)
- ۱۵ نام هاک ایرانی
- ۱۶ به بهانه شب یلدا

نیلوفر ایرانی - آذر ۱۳۸۹

سال اول - شماره دوم (ویرایش دوم)

صاحب امتیاز: کانون ایرانشناسی و
گرددشگری دانشگاه دامغان

مدیر مسئول و سردبیر:
مجید خالقیان

هیئت تحریریه:
عارفه نبوک، رضا معزکی، حامد آذری

با سپاس فراوان از خانم لیلا طالبی





سر مقاله

بدون شك هر انسانی از هر قوم و نژادك باید به اصالت خودش بیالد و به آن افتخار كند. اما به نظر می رسد هر قومی در برابر گذشتگان و آیندگان خودش مسئول است و در قبال آنها وظایفی دارد كه مطمئناً با تحقق این وظایف به هم میهنان زمان خودش هم كمك زیادی كرده است.

در این بین وظیفه ما ایرانیان بسیار خطیر است. با آن فرهنگ غنی كه هزاران سال نیاكان ما نگاه داشتند و آن همه مردان و زنان افتخار آفرین در تاریخمان پدید آمدند و برای خودشان و هم دوره هایشان و آیندگانشان افتخار آفریدند.

انسان هایی كه نیلوفر و آتش را نمادك برای رشد می دانستند (نیلوفر در گند زار ها رشد می كند و آتش هم تنها رو به بالا جهش می كند). با این دیدگاه نيك نیاكان ما گویی آن فرهنگ و تمدن غنی تعجب آور نیست.

جالب آنكه در هر دوره اك از تاریخ هزاران ساله ما كه شكوفایی فرهنگی و تمدنی پدید آمده است ؛ رویكردك به گذشته در کنار استفاده از روش ها و آیین هاك نوین مورد نظر بوده است. اگر تاریخمان را بخوانیم و بخوایم عبرت بگیریم شاید مهم ترین عبرتی كه می توان گرفت همین باشد.

حال كه ما برترین آیین را برای خودمان برگزیدیم آیا برتر بودن خودمان را نباید نشان دهیم؟! آیا نباید كارك كنیم كه همانطور كه ما به گذشته هاك دورمان افتخار می كنیم، آیندگان دور هم به ما افتخار كنند؟!

با وضعیت كنونی فرهنگی و اجتماعی ما بعید است كه آیندگان علاقه اك به یاد كردن از دوران ما داشته باشند و خواهند از آن به نیکی یاد كنند و برای بهبود فرهنگشان از فرهنگ امروز ما بهره ببرند. حال اگر فرهنگ گذشته را هم نابود كنیم بیشترین ضرر را آیندگان خواهند دید.

امید است با بهبود فرهنگ امروزمان وظیفه ك خود را در قبال گذشتگان و آیندگان انجام داده باشیم.





روزهای ارزشمند در گاهشماره آذر ماه

۳۰ آذر : شب چله (شب یلدا)



شب یلدا یکی از جشن های بزرگ ایران باستان است که هنوز هم گرمای داشته می شود. این شب از نظر علمی بسیار مهم است زیرا بلندترین شب سال در نیم کره شمالی زمین است. این شب به هنگام غروب آفتاب از ۳۰ آذر (آخرین روز پاییز) تا طلوع آفتاب در ۱ دی (نخستین روز زمستان) اطلاق می شود. ایرانیان و بسیاری از دیگر اقوام آن را گرمای می دارند.

واژه یلدا به معنای زایش، زادروز و تولد است. ایرانیان باستان بر این باور بودند که فردای شب یلدا با دمیدن خورشید، تابش نور ایزدی افزونی می یابد. از همین رو میوه هایی مانند انار و هندوانه نماد این شب هستند زیرا با رنگ سرخ و شکل دایره ای نمایندگانی از خورشید هستند. البته درباره ی شب یلدا تعبیر های گوناگونی بیان می شود. داستان ها و افسانه های زیادی هم درباره این شب نقل شده است که بازگو کننده میلاد عشق است. گفته می شود در ایران باستان این دوره فرصتی برای برابری انسانها بوده است. همگان از جمله شاه لباس ساده می پوشیدند تا یکسان به نظر آیند و کسی حق دستور دادن به دیگری را نداشت و کارها داوطلبانه انجام می گرفت نه با دستور. بسیاری از دانشمندان معتقدند شب یلدا تأثیر زیادی بر فرهنگ دیگر اقوام از جمله روم باستان و در نتیجه آیین مسیحیت داشته است. به طوری که وجود کریسمس در تاریخی که امروز گرمای داشته می شود تحت تأثیر شب یلدا می باشد. البته درباره این موضوع بحث های زیادی شده است و نظرات ضد و نقیضی گفته می شود.

خوشبختانه امروز هم این جشن در ایران گرمای داشته می شود و فرصتی برای جمع شدن خانواده ها و شادمانی آنها در کنار یکدیگر می باشد.

هم میهنان ما در جای جای میهن از آیین و روش خاص خودشان در گرامیداشت این شب بهره می برند.

۹ آذر : جشن آذرگان



نهم آذر که آذر روز نام دارد و به آخشیح مقدس آذر (آتش) و فرشته ارجمند آن آذر تعلق دارد، جشن آذرگان می باشد که آذر جشن نیز می گویند. به طور کلی آتش نزد ایرانیان بسیار ارزشمند بوده است. یکی از دیدگاه هایی که ایرانیان نسبت به آتش داشتند آن بود که همانطوری که شعله های آتش به سوی بالا زبانه می کشد آدمی هم به سوی ترقی و تعالی پیشروی کند.

۱۶ آذر : روز دانشجو



در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ بود که دانشجویان بیدار این مرز و بوم در راه اعتراض به دخالت بیگانگان انگلیسی و آمریکایی (که با آمدن نیکسون به ایران تشدید شد) و ورود نظامیان به محیط فرهنگی دانشگاه سه تن از بهترین ها را فدا کردند. احمد قندچی، مهدی شریعت رضوی، مصطفی بزرگ نیا این سه آذر اهورایی بودند که جان خودشان را فدا کردند.

۲۱ آذر : رهایی آذربایجان



روز ۲۱ آذر دارای دو مفهوم متفاوت است. ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ روز جدا شدن آذربایجان از پیکر ایران، و ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ روز برگشت آذربایجان به وطن. با شروع جنگ دوم جهانی و اشغال ایران از طرف قوای متفقین، ارتش شوروی منطقه آذربایجان را متصرف شد. در تاریخ ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ خورشیدی، اقدام به تشکیل حکومت خود مختار آذربایجان، در راستای الحاق آن به جمهوری آذربایجان شوروی نمود. ولی خوش بختانه و با مساعد شدن اوضاع سیاسی و حرکت نیروی نظامی ایران به سمت آذربایجان، مردم آن خطه قیام کرده و با در دست گرفتن اسلحه در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۲۵ خورشیدی حکومت دموکرات آذربایجان را از پا درآوردند.

پارک نامه ها: اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، عبدالعظیم گاهشماری و جشن های ایران باستان، هاشم رضی پایگاه پژوهشی آریا بوم



پرچم های ایران از آغاز

در ابتدا بایسته است به چند نکته اشاره کنیم:

- ۱- عکس هایی که از درفش های ایران آورده شده است لزوماً در کل دوران مشخص شده جاری نبوده اند و شاید متعلق به یک دوره ی خاص از آن دوران باشند.
- ۲- برخی از درفش ها از روی گفته ها و منابع تاریخی بازسازی شده اند و مطمئناً درفش ها به همین شکلی که در عکس ها تصویر شده اند؛ وجود نداشتند (برای مثال درفش اشکانیان).

دوره اساطیرک

در افسانه های ایران آمده است که کاوه آهنگر در برابر ظلم ضحاک تازی قیام کرد و پیش بند چرمی خود را بر سر چوبی گذاشت و این پیش بند چرمی نماد آن قیام بزرگش شد. فریدون فرمان داد تا پاره چرم پیش بند کاوه را با جواهرات آراستند و نمادی برای ایران زمین شد. بعد ها در دوران ساسانی بار دیگر این نماد به عنوان درفش رسمی ایران مورد استفاده قرار گرفت. شهرت درفش کاویانی در دوران ساسانی بسیار زیاد است.



درفش کاویانی

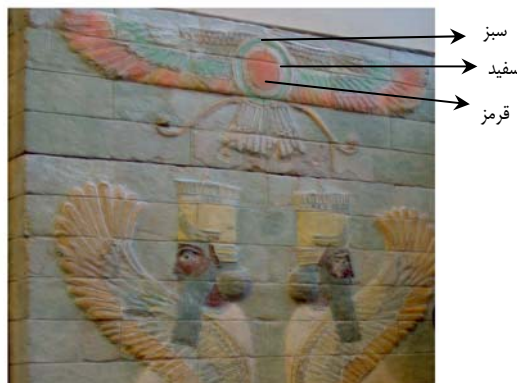
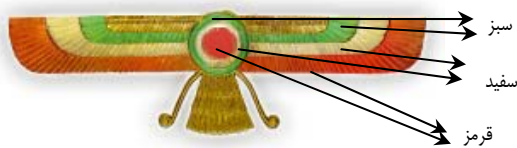
دوره هخامنشیان

از دوره کوروش بزرگ درفش هایی یافت شده است که با عقاب و یا شاهین تزیین داده می شده است. گویا کوروش در جنگ ها از این نماد به عنوان درفش بهره می برده است. اشاره به درفشی با عقاب زرین در کوروش نامه گزنفون (دفتر هفتم، بخش یکم) به چشم می خورد.



درفش کوروش بزرگ

اما از دوره هخامنشیان یک اثر بسیار جالب کشف شده است. فروهر با رنگ های سبز، سفید و قرمز که امروز در موزه لوور نگه داری می شود. این نشان می دهد سه رنگ سبز، سفید قرمز از هزاران سال پیش نمادی از ایران بوده است.

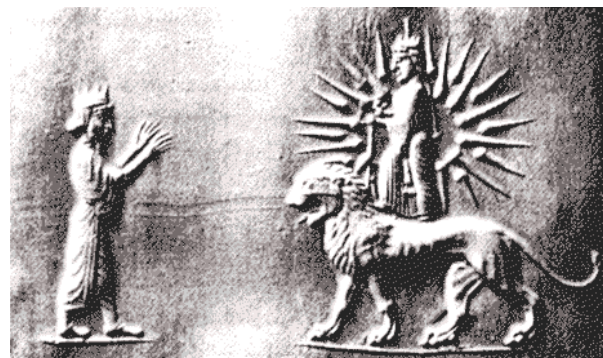


فروهر آراسته با رنگ های سبز ، سفید، قرمز در موزه لوور

اما شیر و خورشید که بعد ها نشانی بسیار محبوب و رایج در پرچم های ایران شد هم گویا ریشه در همین دوران دارد. گرچه برخی معتقدند شیر و خورشید ریشه ای مغولی دارد اما در موزه آرمنیائز لنین گراد، برگه ای از سده چهارم پیش از زایش مسیح (نزدیک به ۲۴۰۰ سال پیش) نگهداری می شود که شیر و خورشید به طور واضح نگاشته شده است. در این برگه، خشایارشا یا اردشیر دوم در حال نیایش و ستایش اناهیتا که سوار بر شیر است، نشان داده می شود.



بعد از حمله اعراب به ایران تا دو قرن حکومت مستقلی در ایران وجود نداشت. در این دوره قیام های زیادی شد که از مهم ترین آنها می توان به قیام ابومسلم خراسانی و بابک خرمین اشاره کرد. نماد پیروان ابومسلم سیاه و نماد پیروان بابک سرخ بوده است. اما با گذشت دو قرن حکومت های زیادی در ایران حکومت کردند. به علت زیاد بودن تعداد حکومت ها از بررسی و نام بردن آنها صرف نظر می کنیم و تنها به نمایاندن تصویر برخی از پرچم های این حکومت ها بسنده می کنیم.



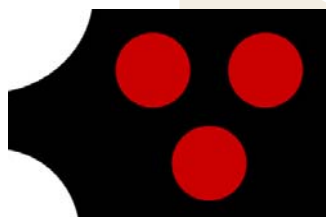
پژوهش گران معتقدند خورشید نشان نیروی شگفت انگیز خداوند است و شیر هم به طور کلی نشانی از قدرت است. البته از معنای ستاره شناسی و علمی آن هم نباید بگذریم که بیشتر به استفاده آن در دوران اسلامی مرتبط است که درباره آن صحبت خواهیم کرد.



سلجوقیان



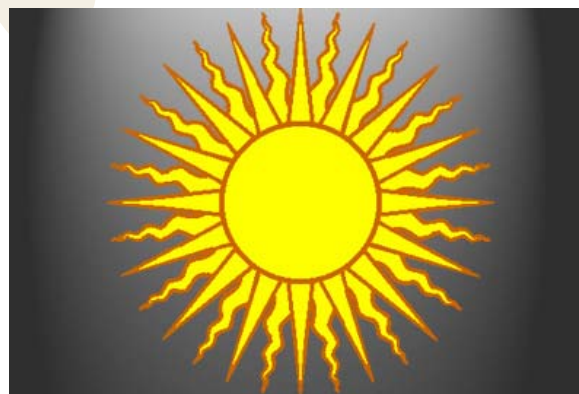
غزنویان



تیموریان

دوره اشکانیان

در زمان اشکانیان پرچمی استفاده می شد که به خورشید مزین بوده است. دسته های هزار تایی ارتش اشکانی نیز دارای پرچمی ابریشمی مزین به اژدها بودند.



درفش دوره اشکانیان

دوره صفویه

در دوران صفویه برای اولین بار، نماد شیر و خورشید به طور رسمی وارد پرچم ایران شد.

شیر و خورشید در دوره صفوی، نمادی ملی - مذهبی بود. دو شخص نقشی کلیدی در این میان داشتند. جمشید شاه اسطوره های ایران به عنوان بنا کننده ی شاهنشاهی در اسطوره های ایرانی و علی (ع)، امام اول شیعیان. در این پندار، خورشید سمبل جمشید و شیر سمبل امام علی (ع) بود.

به گفته افسانه نجم آبادی - استاد دانشگاه هاوارد - خورشید علاوه بر استعاره بر جمشید، دو معنای استعاره ای دیگر نیز برای صفویان داشته است. مفهوم زمان بر مبنای گاهشماری خورشیدی که جدا از گاهشماری قمری بود و همچنین معنای ستاره بینی و دخالت کیهان در تقدیر و تعبیری که ستاره بینی از حالت نجومی شیر در صورت فلکی خورشید (اسد) داشت.

دوره ساسانیان

همان طور که اشاره شد در دوران ساسانی درفش کاویانی به عنوان نماد رسمی کشور استفاده می شده است. البته نمادها و نشان های دیگری هم از دوران ساسانی یافت شده است که بررسی تک تک آنها در این مجال نمی گنجد.



دوره قاجار و پهلوی

در ابتدای دوره قاجار هنوز نماد شیر و خورشید مفهومی ملی-مذهبی داشت و شیر نماد مذهبی پرچم ایران بود.

در دوران قاجار بود که در دست شیر، شمشیری به نماد از ذوالفقار قرار گرفت. از دیگر تغییرات بارزی که در دوران قاجار بوقوع پیوست افزودن یال به شیر بود گرچه شیرهایی که در ایران هستند دارای یال نیستند. شیرهای ایرانی چه نر و چه ماده، بی یال بوده‌اند نه همچون شیرهای آفریقا که نرهایشان یالدار و ماده شان بی یالست.

اما رفته رفته این نشان از حالت مذهبی خود خارج شد و نشانی ملی گرایانه و البته رفته رفته تبدیل به یک نشان شاهنشاهی شد. در دوران ناصرالدین سه رنگ سبز، سفید، قرمز به عنوان رسمی مورد استفاده قرار گرفت (که البته گویا امیر کبیر هم در این موضوع نقش داشته است). اینکه این سه رنگ با چه تعبیری در آن زمان انتخاب شده‌است محل اختلاف نظر است. ولی انتخاب رنگهای سبز و سفید بی ارتباط با سنت‌های شیعی و اسلامی نبوده و قرمز نشان دهنده قدرت نظامی بوده‌است. بعدها نشان پرچم تعبیری منطقی بدین صورت یافت که رنگ سبز به عنوان نشان اسلام، رنگ سفید نشان صلح و قرمز نشان رشادت است. این ترسیم پرچم تا زمان انقلاب مشروطیت ادامه پیدا می‌کند. در دوران پهلوی تقریباً پرچم ایران به همان شکل باقی ماند. در دوره رضا خان همان پرچم مشروطه حفظ شد.



پرچم دوره قاجار، مشروطیت و پهلوی



پرچم دوره آقا محمد خان

مدتی از دوره محمدرضا پهلوی، ایران دارای سه پرچم رسمی بوده‌است. «پرچم ملی» که فقط دارای سه قسمت مساوی به رنگ سبز، سفید و سرخ بود. «پرچم دولتی» که تنها تفاوت آن با پرچم ملی در نقش شیر و خورشید آن بود و مخصوص ادارات و دستگاه‌های دولتی و روابط

صورت فلکی شیر نیز خوش یمن ترین جایگاه خورشید بوده‌است. بنابراین نشان شیر و خورشید دو جفت آسمانی و زمینی را به هم پیوند می‌داد، شاهنشاه و مرد مقدس (جمشید و امام علی(ع)).

البته تفاسیر دیگری هم از خورشید این نشان در این دوران شده است اما به نظر می‌آید شیر در این دوران نمادی از امام علی(ع) بوده است.



مهم ترین و اصلی ترین پرچم دوران صفویه

اما در دوران صفویه تنها یک پرچم هم مرسوم نبوده است و پرچم‌های زیادی از این دوران به جا مانده است. از آن دوران به بعد شیر و خورشید نمادی رایج در پرچم‌های ایران شد و تا دوران معاصر هم ادامه داشت. اما برداشتی که در زمان‌های گوناگون از این نماد شد متفاوت بود.



یکی از پرچم‌های دوره افشاریان



یکی از پرچم‌های دوره زندیه



افسانه شب یلدا

آنگاه که ماه عاشق می شود ...

درباره شب یلدا داستان ها و افسانه های فراوانی را نقل کردند اما مشهور ترین آنها داستان زیبا و دلکش دلدادگی ماه به خورشید است.

آنگاه که ماه عاشق و دلداده ی خورشید می شود، دوست دارد برای یک بار هم شده خورشید را ببیند و راز دلش را به وی بگوید اما از اقبال بد همیشه خواب می ماند و این باعث ناکامی وی می شود.

اما برای این کار تدبیری می اندیشد و از ستاره ای که همیشه کنار ماه است می خواهد که هنگام آمدن خورشید وی را بیدار کند تا بتواند معشوقش را ببیند.

سرانجام ستاره به عهد وفا می کند و هنگام آمدن خورشید ماه را بیدار می کند. این جاست که ماه، خورشید را می بیند و راز دلش را برملا می کند.

ماه دلبری می کند ماه و خورشید عاشق یکدیگر می شوند و کارشان را فراموش می کنند و عاشقی پیشه می کنند. عشق، زاده می شود و این شب عشق، نام یلدا را به خود می گیرد.

در طول سال تنها یک شب است که خورشید و ماه یکدیگر را می بینند و به یکدیگر مهرورزی می کنند.



خارجی بود و در نهایت «پرچم سلطنتی» که به رنگ آبی آسمانی بوده و در گوشه سمت چپ آن تاج پهلوی نقش شده بود. به طور کلی باید بپذیریم که در دوره پهلوی بینشی که نسبت به شیر و خورشید ایجاد شد بیشتر به نمادی برای شاهنشاهی محدود می شد. اما در سال ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی در قسمت تحقیقات مجلس با بررسی های تاریخی، نشان شیر و خورشید را یک نماد ملی و ایرانی نامید و در طی گزارشی که در روزنامه آفتاب یزد انتشار یافت آنرا بی ارتباط به نشان شاهنشاهی ایران دانست.

جمهوری اسلامی

در اصل هجدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ میلادی) در مورد پرچم ایران به تفصیل سخن آمده است. پرچم جمهوری اسلامی از سه رنگ سبز(نماد اسلام)، سفید(نماد صلح و دوستی) و سرخ(نماد خون شهیدان و رشادت) تشکیل می شود و نشان جمهوری اسلامی در وسط آن قرار دارد. این نشان بیانگر «الله» و شعار «لا اله الا الله» و نمایشگر لاله که سمبل خون شهید است به رنگ قرمز در میان پرچم و روی رنگ سفید قرار گرفته است.

همچنین ۲۲ «الله اکبر» به رنگ سفید و به نشانه پیروزی انقلاب در روز ۲۲ بهمن، در حاشیه پایین رنگ سبز و حاشیه بالای رنگ قرمز با خط بنایی (یعنی همان خطی که شعار الله اکبر را بر مناره های مساجد اسلامی نقش می کند) نوشته شده است.



یاری نامه ها:

پایگاه پژوهشی آریا بوم - وبگاه رسمی مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی - مقاله کاوه فرخ، August 14th, 2009
عنایت الله شکیباپور، اطلاعات عمومی، کتابفروشی اشراقی.

Shahbazi, A. Shapur. *Flags*. Encyclopedia Iranica. Osprey Publishing, 2001.

Najmabadi, Afsaneh. *In Gender and sexual anxieties of Iranian Modernity*. University of California Press, 2005.



شگفتی های تاریخ تمدن ایران (بخش دوم)

زبان ایرانیان و زبان های دیگر

زبان های ایرانی و اروپایی

می دانیم که زبان های ایرانی و اروپایی هم ریشه هستند. در اینجا به چند واژه ی جالب و شگفت آور اشاره می کنیم.

انگلیسی	ایرانی
Star	استر
Domain	دامنه
Drug	دارو
Bank	بانک ^۳
Name	نام
New	نو
Jungle	جنگل
Space	اسپاش ^۴

نفوذ زبان ایرانیان در جهان بسیار فراوان بوده است. اما بیشتر این واژه ها با گذشت زمان تغییر پیدا کرده اند. به نظر می رسد تمدن ایرانیان در روزگاران قدیم باعث شده است که این زبان به زبان های دیگر نفوذ کند.

باید توجه داشت که فقط زبان پارسی در زبان های دیگر نفوذ نداشته است. انواع زبان هایی که در ایران تکلم می شده است در زبان های دنیا نفوذ داشته است. در این نوشتار از عنوان «ایرانی» برای زبان هایی که در ایران رواج داشته است استفاده می شود.

عربی

به گفته ی استاد عبدالعظیم رضایی درصد بالایی از واژه های عربی از ایرانیان گرفته شده است. ایشان این موضوع را با استناد به «فرهنگ فارسی به پهلوی و پهلوی به پارسی»، «دکتر فره وش» می گویند. اما برای ملموس بودن این گفته ها در اینجا تنها به چند نمونه مشهور می پردازیم:

عربی	ایرانی
مسجد	مزگت ^۱
محراب	مهراب ^۲
کنز	گنج
عسگر	لشکر
جنت	چینوت
فردوس	پردیس
دوزخ	دوژخ
شرع	شاهراه

دانش گاهشماری

ایرانیان از نخستین اقوامی بودند که گاهشماری را پدید آوردند. ایرانیان نام های خاصی را برای روز های هفته و ماه ها تعیین کردند. چنین می نماید که نام روز های هفته اروپاییان یادگاری از همان نام روزهای هفته به جا مانده از دوره باستان باشد. به نظر می رسد کیسه در هزاران سال پیش با هوش و اندیشه زرتشت ساخته شد.

۱- «مزگت» به معنی پرستش گاه و خانه خدا است به عربی رفته و به «مسجد» تغییر پیدا کرده است. (لفت نامه دهخدا، واژه مزگت و فرهنگ نفیسی نوشته ی نام الاطبا و فرهنگ های دیگر)

۲- واژه ی «مهراب» در واژه نامه ها و به ویژه در کتاب های استاد فریدون جنیدی و استاد رضی و دهخدا آمده است که همین «مهراب» به معنی «ریخورشید» و «نور و جای پاک و ارجمند» بود که به زبان های سامی راه یافت و در زبان عرب «محراب» نوشته شد.

۳- ذبیح الله منصوری در کتاب سرزمین جاوید می گوید: «متأسفانه خود ما ایرانیان نمی دانیم که کلمات بانک و چک ایرانی می باشد ...»

۴- «اسپاش» (espâs) یک واژه ی پهلوی در چم (معنی) تَهی گاه است که تازی آن «فضا» می شود.





نماد فروهر

این نیرو پیش از آنکه آدمی به این دنیا بیاید آفریده شده است و در زندگی او را همراهی می کند و به سوی پیشرفت فرا می خواند. بعد از مرگ هم پاک باقی می ماند. فروهر فقط متعلق به آدمیان نیست و دیگر موجودات هم دارای فروهر می باشند.

بر اساس باور های ایرانیان باستان، ابتدا تمام فروهران آفریده شده، پس از آن جهان مادی بوجود آمد و فروهران یکایک به زمین فرود می آیند و در تن و روان موجودات جای می گیرند و با مرگ موجودات به پیشگاه اهورامزدا باز می گردند. (فریدون جنیدی، زروان، ص ۹۴)

باور به فروهر و گفته های پیرامون آن، کم و بیش در دوران پس از اسلام هم در اندیشه های عرفانی ایرانی به جا مانده است.

بسیاری از پژوهشگران نگاره ی مورد بحث را نمادی از فروهر می دانند و به تک تک جزئیات آن مفاهیمی منسوب می دارند.



نگاره فروهر در تخت جمشید

این مفاهیم را می توان در هفت جمله زیر بیان کرد:

۱- چهره فروهر همانند آدمی است، از این رو گویای پیوستگی با آدمی است، او پیری است فرزانه و کار آزموده، نشانه از بزرگداشت و سپاس از بزرگان و فرزندان و فرا گیری از آنان دارد.



نگاره ی بالا که به «فَرَوَهَر» مشهور است؛ یکی از زیبا ترین نگاره های به جا مانده از دوران باستان می باشد که به نظر می آید در دوران هخامنشی به صورت تصویر بالا نمایان شده است. هنر هخامنشی که اوج آن را در تخت جمشید می بینیم از هنر تمام اقوام متمدن آن روزگار تأثیر پذیرفته است.

چنین شکل هایی در تمدن های میانه و حتی تمدن مصر دیده می شود. از طرفی گفته می شود این نگاره باز گو کننده مفاهیمی است که به فرهنگ ایرانیان باستان ارتباط دارد.

البته ساختار این نگاره، در زمان ها و مکان های مختلف با هم تفاوت دارند، حتی در تخت جمشید که در یک مکان و تقریباً یک زمان ساخته شده است با چندین گونه از این نگاره روبه رو می شویم!

چنین می نماید که این نگاره، نشان رسمی شاهنشاهی هخامنشی بوده است. نگاره ی مورد بحث، نماد قلمرویی بود که از اقوام گوناگون با زبان ها و فرهنگ های متنوع تشکیل می شد. شاید بتوان شاهنشاهی هخامنشی را «دهیو های پیوسته» و یا «ساتراپ های پیوسته» نامید؛ چرا که این قلمرو از اتحاد کشورهای گوناگون بوجود آمد و دهیو ها یا ساتراپ های (ایالات) مختلف استقلال نسبی داشتند.

امروز این نماد را با نام «فَرَوَهَر» می شناسیم. بر اساس عقاید ایرانیان باستان و همچنین اعتقادات زرتشتی، فروهر یا فرورد یکی از نیرو های ۵ گانه آدمی است که در سراسر زندگانی، حافظ و نگهبان اوست.





برگردان درست واژگان رایانه ای

شوربختانه چندی است با برگردان های (ترجمه های) نادرست واژگان رایانه ای روبرو هستیم. برگردان برخی از واژگان رایانه ای، از واژگان بیگانه ساخته شده اند و بدتر آنکه درون مایه های نادرستی به خواننده می رسانند. بهتر است برای نگاهداشت ساختار زبان پارسی و رساندن درون مایه ای درست - به ویژه در نوشتار- از واژگان درست بهره ببریم. در این جا تنها به چند واژه اشاره می کنیم:

E-Mail

برگردان نادرست: پست الکترونیک

برگردان درست: رایانامه

Database

برگردان نادرست: بانک اطلاعاتی

برگردان درست: پایگاه داده

Information

برگردان نادرست: اطلاعات

برگردان درست: آگاهگان

Password

برگردان نادرست: رمز عبور

برگردان درست: گذرواژه

Product

برگردان نادرست: محصول

برگردان درست: فرآورده

Process

برگردان نادرست: پروسه

برگردان درست: فرآیند

۲- دو بال در پهلوها که هر کدام سه پر دارند این سه پر نشانه سه نماد اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک که همزمان انگیزه پرواز و پیشرفت است.

۳- در پایین تنه فروهر سه بخش، پرهایی بسوی پایین است، که نشانه پندار و گفتار و کردار نادرست و یا پست هستند. از اینرو آن را، آغاز بدبختیها و پستی برای آدمی می دانند.

۴- دو رشته که در سر هر یک گردی (حلقه) چنبره شده ای دیده می شوند، در کنار بخش پایینی تنه هستند که نماد سپنتا مینو و انگره مینو هستند، که یکی در پیش پای و دیگری در پس آن است. این رشتهها هر یک در تلاش هستند که آدمی را بسوی خود بکشند؛ این نشانه آن است که آدمی باید به سوی سپنتا مینو (خوبی) پیش رود و به انگره مینو (بدی) پشت نماید.

۵- یک گردی (حلقه) در میانه بالاتنه فروهر وجود دارد این نشان، جان و روان جاودان است که نه آغاز و نه پایانی دارد.

۶- یک دست فروهر کمی به سوی بالا و در راستای سپنتا مینو اشاره دارد که نشان دهنده سپاس و ستایس اهورمزدا و راهنمایی آدمی بسوی والایی و راستی و درستی است.

۷- در دست دیگر گردی (حلقه ای) دارد که نشانه وفاداری به عهد و پیمان، و نشانگر راستی و پاک خویی و جوانمردی و جوانزنی است.

با سپاس از:

رستم جی کاما

مهرداد قدردان

فریدون جنیدی. زروان. چاپ اول، تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۵۸.

تارنمای VANDA-ARCHITECT



شاهزاده ایران

اما این بازی، امروز شهرت خودش را مدیون بازی ساخته شده در سال ۲۰۰۳ توسط شرکت یوبی سافت است با عنوان

Prince of Persia: The Sands of Time

همین عنوان برای فیلم شاهزاده ایران هم برگزیده شد.



اینکه داستان این بازی چیست بحث طولانی دارد که در این مجال نمی‌گنجد. این بازی با استقبال فوق‌العاده ای روبرو شد، با توجه به جذاب بودن بازی و البته داستان زیبایی این بازی. اما مورد منفی که در این نسخه وجود داشت این بود که متأسفانه بیشتر از اینکه شخصیت‌ها ایرانی باشند عرب بودند، چه از لحاظ ظاهر اشخاص و چه از لحاظ معماری‌ها و...

از آنجایی که به طور کلی داستان‌های «هزار و یک شب» بر روی شاهزاده ایران بسیار تأثیر گذار بوده است، ظاهر شاهزاده بیشتر شبیه «علاء الدین» در کارتون «علاء الدین و چراغ جادو» بود.



به نظر می‌رسد، وضعیت شاهزاده در نسخه سال ۲۰۰۳ از «علاءالدین» الهام گرفته شده است.

اما در سال ۲۰۰۴ تحولی شگفت در این بازی ایجاد شد، نسخه بعدی این بازی که بسیار زیبا و با داستانی قوی تر از



نسخه قبلی بیرون آمد، بسیار به طرف بیشتر ایرانی شدن پیش رفت. گویا نویسندگان و سازندگان این بازی به اشتباه خودشان در نسخه ی قبلی پی برده بودند.

بدون شک افسانه‌های ایرانی یکی از زیبا ترین افسانه‌های دنیا هستند. علاوه بر اینکه داستان‌های دلکش و زیبا در این افسانه‌ها وجود دارد انسان دوستی و زیبایی‌های اخلاقی در این افسانه‌ها به چشم می‌آید. اما افسوس می‌خوریم که چرا بیگانه دارد از این افسانه‌ها بهره می‌برد در صورتی که شاید مهم‌ترین هدفش کسب درآمد باشد و ما نمی‌توانیم چنین کارهای قوی داشته باشیم تا افسانه‌ها را همانطور که بوده است با اهدافی که بزرگانی مانند فردوسی داشتند ارائه کنیم.

Prince Of Persia



عنوانی که تبدیل به یک فیلم سینمایی هم شد اما اصل این موضوع از یک بازی کامپیوتری سرچشمه می‌گیرد که پیشینه طولانی دارد و شاید از اولین بازی‌های کامپیوتری بود که شهرت زیادی پیدا کرد. اولین نسخه این بازی توسط Jordan Mechner در سال ۱۹۸۹ ساخته شد.





در سال ۲۰۱۰ سالی که با اکران فیلم شاهزاده پارس همراه بود نسخه ی دیگری از این بازی به بازار آمد. البته در این نسخه دشمنان و جن ها فارسی صحبت می کنند و جالب آنکه شاهزاده پارس سخن آنها را نمی فهمد!! اما هدف شخصیت اول داستان به همراه برادرش نجات سرزمین و مردمانشان است و در جای جای بازی به آن اشاره می شود.

به طور کلی عنوان و سال بازی ها عبارت اند از :

- Prince of Persia (1989)
- Prince of Persia 2: The Shadow and the Flame (1994)
- Prince of Persia 3D (1999)
- Prince of Persia: The Sands of Time (2003)
- Prince of Persia: Warrior Within (2004)
- Prince of Persia: The Two Thrones (2005)
- Prince of Persia PRODIGY (2008)
- Prince of Persia: The Forgotten Sands (2010)



شهرت بازی Prince Of Persia باعث شد که فیلم سازان مشهور دنیا فیلمی با همان سبک بازی بسازند.

این فیلم یک فیلم سینمایی اسطوره گرای هالیوودی است که به اسطوره های ایرانی البته با تعاریف هالیوودی می پردازد. هرچند کارگردان این فیلم معتقد

بود که آن طور که می خواست نتوانست فیلم را خاتمه بدهد، اما فیلم دوستان از دیدن این فیلم و ایده های نوین آن لذت بردند. استقبال قابل قبولی هم از این فیلم شد.

بدون شک فیلم نسبت به بازی ها به ایرانی بودن نزدیک تر است و کم تر از بازی ها از خارج افسانه های ایرانی استفاده کرده است.



در سال ۲۰۰۵ نسخه بعدی بیرون آمد که در آن شاهزاده به ایران باز می گردد و مرکز پارس هم بابل است. معماری ایرانی - اسلامی در این بازی، بازی را جذاب و دلکش تر کرد.

در سال ۲۰۰۸ نسخه متفاوتی از این بازی به بازار آمد که شخصیت اصلی آن دیگر شاهزاده نیست و شاهزاده بازی



دختری به نام الیکا است. این بازی به صورت کمیک و برای سنین نوجوان طراحی شده و شاید موفقیت نسخه های قبل را نداشته باشد. در این بازی اسطوره های بسیار کهن ایرانی بارز می شود و جنگی میان اهورامزدا و اهریمن تصویر می شود. البته یک نگاه سطحی به عقاید دین زرتشتی هم وجود دارد. شاهزاده الیکا در قسمت هایی از بازی به زبان فارسی صحبت می کند اصطلاحاتی به مانند «راه را نشان بده»، «اورمزد رهایم کن»، «با دانش اورمزد».



شاید نبود موفقیت کافی در نسخه ی سال ۲۰۰۸ باعث شد که سازندگان این بازی رویکرد قبلی را پیدا کنند و در سال ۲۰۱۰ یک بار دیگر بازی را به همان سبک قبلی درست کنند.



شکوه شهر بابل (Babylon) که به ایران مرتبط می شود؛ به دوران هخامنشی و کوروش بزرگ بر میگردد که کوروش توانست بدون خونریزی این شهر را فتح کند (تقریباً ۵۰۰ سال قبل از میلاد). اما معماری این شهر معماری ایرانی - اسلامی است که البته این معماری برگرفته از معماری ایرانی دوران ساسانی می باشد (شکوه تمدن ایرانی - اسلامی هم مربوط به قرون ۴ تا ۸ هجری قمری است)، طراحی شده است.

جنگ با دیوان که شاید از شاهنامه اقتباس شده باشد، گذر از راه های سخت، که شاید از هفت خوان ها گرفته شده باشد. در شاهزاده پارس قسمت «پادشاهی دوگانه» که مشهور به پیرینس آف پرشیا ۳ است؛ شاهزاده، به مردم دوستی و عدالت گستری پادشاه ایران اشاره می کند و او را فردی بزرگ می نامد، بی شک این هم از روایاتی که درباره شاهنشاهان و شهریاران ایران نقل می کنند سرچشمه می گیرد. در پیرینس ۴، حتی از مهمان نوازی ایرانیان هم سخن به میان می آید.

در فیلم Prince Of Persia، کشوری به نام الموت وجود دارد در صورتی که الموت فقط یک قلعه مربوط به پیروان حسن صباح است.

امروز شخصیت اول این بازی در نزد هواداران بازی های کامپیوتری جایگاه ویژه ای دارد و باید پذیرفت که شهرت و محبوبیت بازی Assassin's Creed از محبوبت Prince Of Persia سرچشمه می گیرد. این موارد نشان می دهد که با بهره گیری از افسانه های دلکش ایرانی، چه دستاوردهایی نمایان می شود.

در آخر باید گفت که جای تأسف دارد که بیگانگان بدون هیچ تعلق خاطری به این مرز و بوم و شاید تحت تأثیر علاقه شخصی نویسنده و وجود سرمایه گذارانی قوی این کار را انجام دادند. جالب این است که از سطحی ترین موضوعات فرهنگی و اسطوره ای ما استفاده کرده اند و انقدر با استقبال روبرو شده است، چه برسد به اینکه وارد موارد بزرگ تر و زیبا تر بشویم. این درحالی است که مطمئناً بیگانگان فرهنگ خودشان را هم در آن می آمیزند و آنطور که دوست دارند و به دردشان می خورد، آن را ترسیم می کنند.

شخصیت اول داستان نامش «دستان» و ملکه کشور الموت نامش «تهمینه» است. اما مطمئناً در این فیلم از نظر پایبند بودن به تاریخ واقعی و افسانه های ایرانی کاستی های زیادی هم وجود دارد. متأسفانه لباس ها هم در برخی اوقات کاملاً عربی می شوند هرچند فضای فیلم طوریست که گویا در دوره اسلامی اتفاق می افتد. دلیل این هم باز به «هزار و یک شب» بر می گردد و به طور کلی خیلی از غربی ها فرق اعراب و ایرانیان را نمی دانند و همه را خاور میانه ای در نظر می گیرند. به طور کلی بر خلاف فیلم های قبلی که معمولاً ضد ایرانی ساخته می شد، این فیلم حالتی ضد ایرانی ندارد هرچند نکته های بحث برانگیزی در فیلم وجود دارند.

تحلیلی از شاهزاده ایران

درست است که این بازی ها و فیلم فقط بیان کننده یک قصه هستند و شاید هدف آنها چیزی جز تجارت نباشد - هرچند برخی از صاحب نظران معتقدند عوامل سیاسی باعث ساخته شدن فیلم شاهزاده پارس شد - اما بدون شک شهرت، جذابیت و محبوبیت شاهزاده ایران بسته به داستان هایش است.

پایه این داستان ها از کجاست؟ بدون هیچ شکی باید گفت که این داستان ها از افسانه های ایرانی در رأس آنها «شاهنامه» و «هزار و یک شب» سرچشمه گرفته اند (هرچند تمدن های زیادی در شکل گیری هزار و یک شب نقش داشته اند اما عنصر غالب در هزار و یک شب ایرانی است اما از آنجایی که ترجمه عربی آن به اروپا راه پیدا کرد، در غرب به «شب های عربی» شهرت دارد)

البته نباید ذهن خلاق نویسنده این داستان ها را نادیده گرفت، اما این خلاقیت قطعاً از داستان های کهن ایرانی و گفته های راجع به تمدن ایران به ذهن نویسنده خطور کرده است.

پرنس پارس به هیچ وجه پایه تاریخی ندارد. هر کجا در تاریخ ایران چیزی زیبا در نظر سازندگان آمده، آنرا در بازی و فیلم گنجانده اند. برای مثال در بازی ها پایتخت ایران شهر بابل است.

نام های ایرانی

هفت نام پسر

- ۱- آبتین: نام پدر فریدون
- ۲- آرش: پهلوان و یکی از تیراندازان ایرانی
- ۳- آریا: اصیل و آزاد
- ۴- آریامهر: دارنده مهر ایران
- ۵- آذر نوش: دوست دار فرهنگ
- ۶- ایرج: یاری دهنده آریایی ها
- ۷- هخامنش: دوست منش



هفت نام دختر

- ۱- آتوسا: نام دختر کوروش و همسر داریوش
- ۲- آرمیتا: آرمان، عشق پاک
- ۳- انوشه: بی مرگ، جاودان
- ۴- ایران: آزادگان، سرزمین آزادی
- ۵- کیانا: طبیعت
- ۶- میترا: مظهر دوستی و محبت و صلح و صفا و روشنایی
- ۷- مینو: جهان معنوی



تارنگار نشریه نیلوفر ایرانی:

PersianL.persianblog.ir

(برای دسترسی راحت تر به این تارنگار واژه «نشریه نیلوفر ایرانی» را در موتور های جستجو گر جستجو کنید)

به بهانه شب یلدا



نظر به روی تو هر بامداد نوروزیست
شب فراق تو هر شب که هست یلداییست
(سعدی)



صحبت حکام ، ظلمت شب یلداست
نور ز خورشید خواه بو که برآید
(حافظ)

باد آسایش گیتی نزند بر دل ریش
صبح صادق ندمد تا شب یلدا نرود
(سعدی)



شب هجرانت اک دلبر، شب یلدا است پنداری
رخت نوروز و دیدار تو عید ماست پنداری
(اوحدی)



روز رویش چو برانداخت نقاب شب زلف
گویی از روز قیامت شب یلدا برخاست
(سعدی)



آری که آفتاب مجرد به یک شعاع
بیخ کواکب شب یلدا برافکند
(خاقانی)

تا در سر زلفش نکنی جان گرامی
پیش تو حدیث شب یلدا نتوان کرد
(خواجوی کرمانی)



رتبه عرفان شود شام فنا روشنت
قیمت انوار شمع در شب یلدا طلب
(وحشی بافقی)

دور است کاروان سحر زینجا
شمعی بیاید این شب یلدا را
(پروین اعتصامی)



به عزت شب قدر و شب حساب برات
به حرمت شب آبیستن و شب یلدا
(عطار)



مهره مهر چو از حقه مینا بنمود
ماه من طلعت صبح از شب یلدا بنمود
(خواجوی کرمانی)